

انتخاب های فاطمه علیها السلام ۳

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ [۱].

مقدمه

چگونه می شود درباره شخصیت فاطمه علیها السلام حرف زد؟ واقعاً حروف، کلام و الفاظ، گنجایش توصیف فضایل این بانوی مقدس را ندارد. گرچه عمرش کوتاه، زندگی اش ساده و خانه-اش محقر بود؛ اما همین کوچکی خانه، کوتاهی عمر و بالاخره کمی ثروت و... در او این همه عظمت را فراهم آورد. بزرگواری و عظمتی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: دختر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم الگو و اسوه من است [۲].

امام عسکری علیه السلام نیز در این باره می فرماید: ما ائمه، حجت خدا بر شما هستیم؛ ولی خود ما حجتی داریم و آن مادرمان فاطمه علیها السلام است. امام جواد علیه السلام در حالی که چهار سال بیشتر نداشت در مکه می نشست و به یاد مصیبت های مادرش اشک می ریخت. شخصی می گوید: در حضور امام صادق علیه السلام بودم، گفتم: خدا به من دختری داده اسمش را فاطمه گذاشته ام، دیدم رنگ و حالت امام علیه السلام تغییر کرد با حالت پرسشی فرمود: فاطمه؟ چه نامی! مبادا او را بزنی مبادا به او توهین کنی [۳]. زیرا او هم نام مادر ما فاطمه علیها السلام است.

فاطمه شخصیتی است که محور حدیث کساء است. وقتی پنج تن دور هم جمع شدند؛ ملائکه سؤال کردند خدایا اینها کیانند؟ خدای متعال فرمود: این فاطمه است و پدرش؛ فاطمه است و شوهرش؛ فاطمه است و فرزندان. فاطمه ای که ملائکه بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خدمتش می آمدند، می نشستند و می گفتند: **يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ إِنَّا إِلَيْكَ مُشْتَاقَاتٌ** [۴] ما دلمان برای شما تنگ شده و اشتیاق همراهی با شما را داریم. چطور این شخصیت را می توان ستود و اوصافش را بیان کرد! فاطمه ای که به قول شاعر، متولد بیست جمادی الثانی نیست؛ بیست جمادی الثانی زادروز جنبه ناسوتی و جسمی فاطمه است. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نیز در این باره می فرماید: **خُلِقَ نُورُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ** [۵]. چقدر زیبا سروده: **بنت الخلود لها الجبال فاشقه** فاطمه مادری است که همه نسل ها باید به عنوان مادر احترامش کنند نه فقط نسل سادات و مسلمانان.

و نیز پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: **فَاطِمَةُ خَيْرَةُ اللَّهِ**؛ یعنی فاطمه برگزیده خدا است [۶].

چرا اینقدر این خانم عظمت و مقام دارد؟ در حالی که همه ما آرزویمان این است که وقت احتضار، امیرالمؤمنین علیه السلام بالای سرمان بیاید؛ یک نگاهی به چهره ما بیندازد؛ آن وقت این علی آمده کنار فاطمه نشسته، فاطمه جان! **أَنَا عَلَى** «من علی هستم» **يَا فَاطِمَةُ كَلِّمِينِي فَأَنَا ابْنُ عَمِّكَ** تمام آرزوی علی علیه السلام این است که فاطمه با او حرف بزند. علی ای که همه مؤمنین آرزویشان این است که در حال احتضار کنار بدنشان حاضر شود، امروز او تمام آرزویش این بود که فاطمه یک بار چشمانش را باز کند و با او سخنی بگوید، چرا؟ آیا چون او دختر پیغمبر است؟ نه، پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم دخترهای دیگری هم با نامهای زینب، امّ کلثوم، و رقیه داشتند. آیا چون همسر علی است؟ نه، علی علیه السلام نیز همسرهای دیگری داشت. علی به خاطر انتخابهای فاطمه اینقدر به او رغبت داشت.

تمام عظمت فاطمه در انتخابهایش است. ببینید آقا! هر کس در زندگی اش چیزی را انتخاب می-کند؛

میگوید مثلاً فلان هنرپیشه الگوی من است؛ یا فلان موزیک و آهنگ، امسال برای من خیلی زیباست؛ این را همیشه در ذهنم دارم و بدان گوش می‌دهم؛ یا فلان امپراطور و شخصیت برای من به عنوان فرد مرجع مطرح است، الان شما انتخاب کرده‌اید اینجا بیایید. یکی ممکن است انتخاب کند و جای دیگری برود. آدم از صبح که پا می‌شود تا شب، دائماً در حال انتخاب است. شما یک پارک هم که می‌روید، یک نگاه هم می‌کنی یا مثلاً می‌گویی اینجا می‌نشینم چون خلوت‌تر است؛ چون خنک‌تر است. در حال انتخاب هستید. و یا برای خانه خریدن یکی می‌گوید می‌خواهم خانه‌ام کنار مسجد باشد برای اینکه می-خواهم نماز جماعت بروم؛ یکی می‌گوید می‌خواهم دور از مسجد باشد تا صدای اذان و ختم و اینها را نشنوم، در حال انتخاب است.

انتخاب‌های چهارگانه حضرت فاطمه

در این جلسه چهار تا از انتخاب‌های حضرت زهرا علیها السلام را برای شما بیان می‌کنم تا ببینید فاطمه علیها السلام چرا فاطمه است؟ پدرش اگر دست زهرای مرضیه علیها السلام را می‌بوسید، و او را مادر (ام ابیها) خطاب می‌کرد، اگر با سه قرص نانی که در راه خدا می‌دهد ۱۸ آیه از سوره هل اتی در شأن حضرت نازل می‌شود، اینکه امام باقر علیه السلام مریض می‌شوند و تب می‌کنند، وقتی

آب به سر و صورتش می‌زنند می‌گویند یا فاطمه! و با نام مادرش از خدا شفا می‌خواهد [۷]! و یا نقل شده پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم وقتی می‌خواستند بعضی از مسایل و احکام شرعی را بگویند پیش از آن نام فاطمه را می‌آوردند و می‌فرمودند: **يَا حَبِيبَةَ أَيُّهَا كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ** [۸] ای فاطمه من! حبیبه و محبوبه من، هر چیزی که مست کننده باشد، حرام است. وقتی می‌خواهد این حکم را ابلاغ کند پیشوندش را نام فاطمه علیها السلام می‌آورد. این همه احترام به خاطر شخصیت و انتخاب‌هایی است که حضرت زهرا داشتند.

انتخاب رضای خدا بر رضای غیر خدا

در تمام صحنه‌های زندگی فاطمه علیها السلام، رضایت خدا بر غیرخدا ترجیح داشت. وقتی به خواستگاری زهرای مرضیه علیها السلام آمدند پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم به ایشان فرمودند: دخترم! علی، به خواستگاریت آمده، حضرت رضای خداوند را از پدر جویا می‌شود. با وجود اینکه خواستگارهای پولداری نظیر عبدالرحمن بن عوف به خانه پیغمبر رفت و آمد داشت. طوری که او پیشنهاد داد که خانه ده هزار درهمی را به نام فاطمه می‌کنم [۹].

امام علی علیه السلام برای خواستگاری آمد، نخستین سؤالی که فاطمه پرسید این بود: **أَرْضَى اللَّهُ؟** آیا خدا از این ازدواج من راضی است؟ [۱۰] اینکه پول دارد یا ندارد؛ خانه‌اش کجاست و... از ناحیه فاطمه مورد پرسش قرار نمی‌گیرد، تنها رضایت خداوند برایش مطرح است. آنهایی که مدینه مشرف شده‌اند می‌دانند که خانه زهرا علیها السلام جای محقری بوده است، اما در همانجا جبرئیل رفت و آمد داشته است.

با وجود اینکه فرزندان فاطمه کوچک بودند و نیاز به مراقبت بیشتری داشتند، اما خود حضرت جو آسیاب و آرد می‌کرد و همزمان مشغول ذکر بود. می‌گویند پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وقتی این وضع را می‌بیند اشک در چشمانش حلقه می‌زند! دختر یگانه‌اش را که واسطه امامت و نبوت است می‌بیند که در دشواریهای زندگی، زندگی می‌کند. برای اینکه با او همدردی کند می‌گوید: **يَا بِنْتَاهُ تَعَجَّلِي مَرَأَةَ الدُّنْيَا بِحُلَاوَةِ الْآخِرَةِ**؛ دخترم تلخی دنیا را بجش! ان شاء الله با شیرینی آخرت حل می‌شود. درست است که اینجا برای سخت و دشوار است، ولی در قیامت آنقدر مورد توجه قرار می‌گیری که همه این تلخی‌ها فراموش خواهد شد. فاطمه در جواب چه فرمود؟ ببینید! بعضی‌ها می‌گویند، اینجا خانه‌ام کوچک است عیب ندارد؛ اما خداوند در عوض در بهشت خانه بزرگ به من خواهد داد، و یا اینجا ندارم ان شاء الله آنجا حضرت چنین نگفت، عرضه داشت: **الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى**

نَعْمَائِهِ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ عَلَى آلائِهِ پدرجان! خدا را شکر به همین خانه کوچک وزندگی، به همین سادگی الحمدلله [۱۱]...

پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم از امیرالمؤمنین پرسیدند: زهرا چگونه زنی است؟ رفتار رسول خدا را ببینید چقدر الهی است، که از علی علیه السلام می پرسد که زهرا چگونه همسری برای تو است؟ امیرالمؤمنین عرضه داشت: **نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ**؛ فاطمه بهترین کمک برای من در مسیر طاعت خداست [۱۲]. حضرت زهرا علیها السلام شب عروسی وقتی وارد خانه امیرالمؤمنین شد اشک می ریزد، علی علیه السلام می فرماید زهرا جان! چرا گریه می کنی؟

به نظر شما شب اول عروسی علت اشک ریختن زهرا مرصیه چیست؟ حضرت زهرا علیها السلام

می فرماید: علی جان! من از انتقال خانه پدر به خانه شوهر، یاد یک انتقال دیگری افتادم. یاد چه انتقالی؟ یاد اینکه یک روزی از این دنیا باید به عالم قبر و قیامت رفت [۱۳]. یاد این افتادم که ما دو تا انتقال داریم؛ یکی به خانه شوهر، بعدی انتقال به قبر. جوانهای عزیز! دختران و پسران! این حرف یعنی چه؟ یعنی از همان شب اول ازدواج یاد مرگ فراموش نشود. جدایی و طلاق اختلاف از کجا نشأت می گیرد؟ چرا آمار طلاق در ایران بالای سی هزار در سال است؟ بیشتر زوج هایی که طلاق می گیرند جوان هستند، از هر شش هفت ازدواج یکی آن در سال گذشته منجر به طلاق شده است! چرا؟ سی هزار طلاق برای یک کشور چرا؟ چرا در زندگی ها مهربانی نیست؟ باید بدانیم که به خاطر کمی امکانات نیست.

آمار نشان می دهد که بیشتر در خانواده های ثروتمند طلاق اتفاق می افتد. اما چرا؟ چشم اگر عفت نداشت، نفس اگر حد اشباع نداشت، نگاه اگر به دنبال ناموس دیگران بود و مرگ و یاد خدا به فراموشی سپرده شد، غیر از طلاق انتظار نمی رود. فاطمه از شب اول حرف آخر را زد، فرمود: بعد از اینجا قبر است! اگر زوجین از اول حرف آخر را نزنند، همسرش یک ماه دو ماه، یک سال دو سال بعد، ویژگی های نخست را ندارد چرا که امور طبیعی رو به زوال است. پس از زوال داشته ها، یکی از زوجین حواسش سراغ فلان فیلم یا فلان عکس و تصویر می رود و در پی آن زندگی متزلزل می شود.

چرا استمرار زندگی ها کم شده؟ چرا در دادگاه ها اختلاف خانوادگی بیداد می کند؟ اگر زندگی فاطمه الگو قرار می گرفت بی ثباتی زندگی مشترک به کلی رو به زوال می رفت. مثل یک چنین روزی وقتی آقا امیرالمؤمنین کنار بستر زهرا نشست، اول سؤالی که زهرا از ایشان کرد این بود:

علی جان! آیا از من راضی هستی یا نه؟ از پدرم شنیدم که مرد باید از زنش راضی باشد. از علی علیه السلام نقل شده است که **وَاللّٰهُ مَا اَغْضَبْتَنِيْ**؛ به خدا قسم حتی یکبار فاطمه مرا عصبانی و خشمناک نکرد [۱۴]. در اوج فقر و نداری زهرا حتی یکبار هم دل مرا با خواسته‌هایش نرنجانده. ما اینجا نمی‌خواهیم قهرمان‌پروری کنیم و نمی‌گوییم دنیا فقط برای ائمه خلق شده است. منتها آیا شما کامل‌تر از این خاندان پیدا می‌کنید؟ آدم ابوالبشر از درخت منهی خورد؛ در پی آن گفتند: از بهشت بیرون رو! چون به آدم علیه السلام گفته شده بود: **وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ** [۱۵] زهرای مرضیه حتی حلال غیر منهی را نخورد! روزها گرسنه ماند و غذا را به یتیم و اسیر و مسکین داد. کسی که این نان را می‌دهد نه بخاطر این است که اسمش در تاریخ بماند، خیر، چون دختر پیغمبر است و نه اینکه فردا از او تعریف کنند در کتابها از او چیزی بنویسند، بلکه می‌گوید: **إِنَّمَا نَطْعُمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ** [۱۶]. این عظمت فاطمه علیها السلام است که رسول خدا آن گونه او را احترام می‌کند، و این کلمه به خوبی حکایت می‌کند: **إِنَّمَا نَطْعُمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ** صرفاً بخاطر خداوند اطعام کردیم.

برادران و جوانان عزیز! بیائیم تصمیم بگیریم که کارهایمان برای خدا باشد. دو جلد از کتابهای حضرت امام (نامه‌های ایشان) همین سال جاری منتشر شده که حاوی نامه‌های عرفانی امام برای رفقا، دوستان و خانواده است، من یکی از این نامه‌ها را که نگاه می‌کردم ایشان در آنجا ذیل آیه شریفه: **وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ** [۱۷] به پسر بزرگوارشان سید احمد آقا می‌نویسند: اگر تمام عمرت را صرف فکر کردن در سوره حشر کنی جا دارد. و می‌فرمایند: مردم! خدا را در زندگی فراموش نکنی!

می‌دانید اگر خدا را فراموش کنید چه می‌شود؟ العیاذ بالله کلاه سر خدا که نمی‌رود. اگر دانشجویی استادش را فراموش کرد این شاگرد است که دچار مشکل خواهد شد و نمره نخواهد آورد. اگر طلبه و دانش‌آموزی امتحان نداد، استاد ضرر نمی‌کند. آیه فوق می‌گوید: اگر خدا را فراموش کردید خودتان را فراموش خواهید کرد. خدا فراموشی عامل خودفراموشی است؛ یعنی بحران هویت، افسردگی و سردرگم شدن و نگرانی.

آمار گرفته‌اند درصد افسردگی خوابگاه دانشجویی، فلان میزان بالا رفته است. آنچه که مسلم است و آن را با توجه به آیات نورانی قرآن و احادیث معصومین بیان می‌کنیم این است که منشأ فراموشی خدا، تمام این نگرانی‌ها را در پی دارد. شرح حال یکی از مراجعی را که الان در قید حیات هستند نگاه می‌کردم، ایشان

می‌گویند: من در این چند سالی که زندگی کردم و هفتاد و چند سالی که از خدا عمر گرفته‌ام

مسافرت‌های زیاد و جاهای مختلفی رفته‌ام و ملاقات‌هایی داشته‌ام. تنها چیزی که انسان را ارضا و اشباع می‌کند ارتباط‌های معنوی است.

نمی‌گویم تفریح نداشته باشید، پارک نروید، بلکه می‌گویم خدا را در مسافرت‌ها و تفریح‌گاه‌ها فراموش نکنید. حضرت امام (ره) ذیل آیه فوق بیان زیبایی دارند، می‌فرمایند: اگر کسی خدا را فراموش کرد، خداوند دست عنایتش را از سر او برمی‌دارد. بعضی وقتها در قرآن گفته می‌شود: **يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ**؛ اینکه خدا بعضی‌ها را گمراه می‌کند یعنی چه؟ خدا گمراه می‌کند این مثل این می‌ماند که بگوییم استادی به دانش‌آموز خود نمره نداده و رفوزه‌اش کرده است. هیچ استادی با شاگردش چنین کاری را نمی‌کند. امان از آن ساعتی که آدم به خودش واگذار شود؟! در دعا‌های مأثوره داریم که: **اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا**

انتخاب‌های یک آدم به او ارزش می‌دهد. شما انتخاب حر را در روز عاشورا ببینید! او امام حسین علیه السلام را انتخاب کرد و یزید و دنیا را انتخاب نکرد. دنیا را وا گذاشت و آخرت را انتخاب کرد. اصل سخاوت را انتخاب کرد و اصل بخل را رها ساخت.

چرا وقتی امام صادق علیه السلام نام مادر را می‌شنید اشک در چشمانش حلقه می‌زد؟ انتخاب رضای خدا، بر رضای دیگران، اولین دلیل عظمت دختر رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم است. این عظمت باعث شد که مورد احترام پیغمبر خدا و امامان معصوم علیهم السلام قرار گیرد.

انتخاب فقر بر ثروت

فاطمه علیها السلام می‌توانست ثروتمند باشد؛ هیچ کاری نداشت زمینه و همه امکانات به صورت کامل برایش فراهم بود، با یک دعا و یک درخواست، دنیا در اختیارش قرار می‌گرفت، اما خودش فقر را بر ثروت ترجیح داد.

انتخاب سخن بر سکوت

زهرای مرضیه بعد از پیغمبر درب خانه‌اش را آتش زدند می‌توانست بنشیند و سکوت کند، اما چرا فاطمه پس از رحلت رسول خدا، چهل شب در خانه مهاجر و انصار رفت؟ در پاسخ باید گفت که فاطمه زمان‌شناس و امام‌شناس بود. در خانه‌های مسلمانان خطبه خواند، صحبت می‌کرد و گریه

کرد. گریه فاطمه تنها برای مصیبت رسول خدا نبود. وقتی می‌گفتند: چرا گریه می‌کنید؟ می‌گفت: گریه من دو دلیل دارد: یکی به خاطر **فقد النَّبیُّ** با فقدان نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و دیگری به خاطر **وَ ظَلَمَ الْوَصِی** با ظلم به وصی او علی علیه السلام [۱۸]. از آنجا که وقت نیست انتخاب‌های حضرت زهرا علیها السلام به صورت فهرست‌وار ذکر می‌شود.

انتخاب امام نور بر ائمه نار (دفاع از امامت و رهبر)

اینها انتخاب‌های زهرا مرضیه بود. یک خانم مسلمان باید از عفت، ایثار، خداترسی، دفاع از امامت و رهبری و ولایت زهرا درس بگیرد و در زندگی عملی‌اش آنها را پیاده کند. به همین میزان اکتفا می‌کنم تا برای عزیزان خسته کننده نباشد.

روضه

دل‌های شما را روانه مدینه کنار قبر مخفی زهرا علیها السلام کنم. آنهایی که مدینه مشرف شده‌اند از همان اول زمزمه‌شان این است.

یا فاطمه من عقده دل‌وا نکردم گشتم ولی قبر تو را پیدا نکردم

مخفی بودن قبر نیز نشانه و سند مظلومیت زهرا علیها السلام است. مصائب فاطمه نیز مثل قبر آن بی بی مخفی است. مصائب آنقدر عظیم است که ۴۰ سال پس از شهادت حضرت، امام حسن علیه السلام همین که نگاهش به مغیره می‌افتاد شروع می‌کرد به اشک ریختن، و می‌فرمود: مغیره! تو جزء کسانی بودی که مادرم زهرا را کتک زد **أَنْتَ الَّذِي ضَرَبْتَ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ حَتَّى أَدْمَيْتَهَا**؛ [۱۹] آنقدر مصیبت بزرگ است که امیرالمؤمنین علیه السلام کنار قبر فاطمه مرگش را از خدا خواست. مثل امروزی، براساس روایت فاطمیه اول نوشته‌اند: بعد از نماز مغرب فاطمه، جان به جان آفرین تسلیم کرد و خانه‌اش برای فرزندانش به عزا تبدیل شد.

صحبت‌هایش را کرد، گفت: علی جان! کسی را از محل دفنم با خبر نکن! بدنم را شب غسل بده، و شب کفن کن! راضی نیستم کسانی که به خانه‌ام حمله کرده‌اند، بر بدنم نماز بخوانند. علی جان! وقتی من را به خاک سپردی **اجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِي قُبَالَةَ وَجْهِی** کنار قبرم بنشین و زود از کنار قبرم بلند نشو!

لحظه پس از دفن، لحظه تنهایی میت است و فرد متوفی انیس و مونس می‌خواهد. چه انیسی بالاتر از علی است؟ کنار قبر برایم قرآن بخوان **فَاكْثِرْ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ**؛ [۲۰] علی جان! برایم دعا کن.

ابْنِیْ وَ ابْنِیْ لِلْیَتَامَیْ وَلَا تَنْسَ قَتِیلَ الْعِدَیْ بِطَفِّ الْعِرَاقِ [۲۱]

هم برای خودم گریه کن هم برای بچه‌های یتیمم، زیرا خیلی سخت است که جلوی بچه‌ها مادرشان جان بدهد؛ آن هم بچه‌هایی که سنشان زیر ده سال است و به سن بلوغ نرسیده‌اند. علی-جان! خواهشی دارم، هوای همه بچه‌ها را داشته باش حسینم را که در کربلا به شهادت می‌رسد فراموش نکن!

پیراهن خود در غم من چاک مکن
از فاطمه یادگار اگر می‌خواهی
جز نیمه شب جسم مرا خاک مکن
خونهای مرا ز روی درب پاک مکن!

اما علی چه کند با این در و دیوار؟ بی بی سفارش دیگری هم دارد:

مبادا سینه مرا به زینب نشان
مرا چو غسل نیمه شب به پیش کودکان دهی
دهی

نگذار زینب صورتم را ببیند! عجب وداع و خداحافظی بود! نوشته‌اند: **أَخْرَجَ مَنْ كَانَ فِي الْبَيْتِ؛** امیرالمؤمنین، بچه‌ها را از اتاق بیرون کرد، نشست کنار بستر فاطمه [۲۲].

ای صفای خانه من الوداع
ای گرمی کاشانه من الوداع
فاطمه جان! چه زود علی را تنها گذاشتی!
الوداع ای همدم و هم ناله‌ام
خواهشی دارم ز تو ریحانه‌ام
جان زهرا روز من را شب مکن
فاطمه جان! به این زودی از کنار علی نرو!
جان زهرا روز من را شب مکن
چادرت را بر سر زینب مکن
چادرت را بر سر زینب مکن
و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ [۲۳].

[۱]. حشر، ۱۹.

[۲]. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۶.

- [۳]. کافی، ج ۶، ص ۴۸.
- [۴]. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۶ و ج ۹۲، دلائل الامامه، ص ۲۸.
- [۵]. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴.
- [۶]. فضایل الخمسه، من الصحاح الستة، ج ۳، ص ۲۲۷.
- [۷]. بیت الاحزان، ص ۱۵۶.
- [۸]. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۵۸؛ بیت الاحزان، ص ۳۲.
- [۹]. زندگی زهرا، ص ۳۵؛ به نقل از مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۴۵.
- [۱۰]. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۴.
- [۱۱]. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۵؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۲.
- [۱۲]. همان، ص ۱۱۷، همان ص ۳۵۵.
- [۱۳]. ارشاد شیخ مفید، ج ۱، ص ۲۷۰.
- [۱۴]. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴.
- [۱۵]. بقره، ۳۵.
- [۱۶]. انسان، ۹.
- [۱۷]. حشر، ۱۹.
- [۱۸]. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۶؛ مناقب ابن شهر آشوب ج ۲، ص ۲۰۵ - ۴۹.
- [۱۹]. الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۷۸.
- [۲۰]. بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۲۷؛ منتهی الامال، ص ۱۹۲.
- [۲۱]. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۸.
- [۲۲]. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۱.
- [۲۳]. شعراء، ۲۲۷.